

بررسی اندیشه شهرنگاری در مرآت البلدان اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳-۱۲۵۹ق)

رضا عبادی جامخانه^۱، قباد منصور بخت^۲، رضا شعبانی^۳

^۱ واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران

^۲ واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران (نویسنده مسئول و استاد راهنما)

^۳ واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، گروه تاریخ، تهران، ایران (استاد مشاور)

چکیده

هدف محقق در این رساله بررسی اندیشه‌های شهرنگاری یکی از مورخان توانمند دوره قاجاریه اعتمادالسلطنه سیاست پیشه مشهور عصر ناصرالدین شاه (۱۲۵۹-۱۳۱۳ق) می‌باشد. روش تحقیق مبتنی بر روش تاریخی بوده و عمده‌ترین منابع تحقیق حاضر دست نوشته‌ها، رساله‌ها، ترجمه، کتب شخصی و رسمی اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اعتمادالسلطنه، تاریخ‌نگاری، شهرنگاری، قاجاریه.

مقدمه

در تحلیل و بررسی با یک رویکرد سنتی به مولفه‌ی شهرنگاری -و یا در رویکرد سنتی به جغرافیا شهری-، غالباً شاهد تأثیرات محیط بر روی زندگی انسان -به ویژه انسان معاصر- می‌تواند باشد ولی؛ از اوایل قرن نوزدهم به بعد رابطه بین محیط و انسان در تأثیر و تأثرات بر همدیگر، به یک رابطه دوسویه تبدیل شده و یکی از پسامد و برآیندهای این تعامل و رابطه، شهر و گرایش به شهرنشینی بوده است؛ در ادامه‌ی روند و تکامل همین نگرش دوسویه و تأثیر و تأثرات انسان و محیط بر روی هم، در بحث جغرافیای شهری به مولفه‌ی شهر نگاری می‌رسند.

تخصص‌گرایی در هر یک از مقولات شهری، چون جامعه‌شناختی شهری، مدیریت شهری، فرهنگ شهرنشینی، شهرنگاری، این مقوله را به عنوان برجسته‌ترین دغدغه‌ی دنیای معاصر، که به طریقی مرتبط با سایر علوم نیز می‌باشد؛ قرار داده است. «فراگیر شدن پدیده‌ی شهر و مشکلات ناشی از آن در ابتدای صنعتی شدن غرب، اهمیت و ضرورت پرداختن به شهر و ارائه‌ی راه حل‌های لازم برای کاهش مشکلات ناشی از آن را هر چه بیشتر کرده و بسیاری از رشته‌های مرتبط با انسان و اجتماع انسانی را درگیر این مسأله نموده است» (ایران دوست، ۱۳۹۱، شماره ۳).

از این رو، امروزه نگارش تاریخ محلی و شهرنگاری غالباً با رویکرد علمی-پژوهشی روبه رو است و گرایش علمی دقیق و پژوهش موشکافانه در این گونه نوشتن‌ها، راه رسیدن به لذت شناخت آداب و رسوم، انتقال تجربیات و فرضیات در مدیریت یکپارچه شهری را برای نویسنده هموار می‌کند، اگرچه از محتوا و ژرف ساخت متون شهرنگاری دوران قبلی تا حدودی می‌توان به این نکات دست یافت؛ ولی غالباً انگیزه‌ها در شهرنگاری‌های دوران گذشته چندان آشکار به نظر نمی‌رسید. از مقولات بسیار برجسته‌ی در تاریخ، نگارش تاریخ شهرها و محلات و برخورداری از مطالب متنوع و غنی در این نوع از تاریخ نگاری ایرانی-اسلامی می‌باشد. این نوع تاریخ نگاری‌ها غالباً با انگیزه‌های چون حُب وطن، حس ناسیونالیستی، حس تفاخر ملی به نگارش می‌رود.

اعتماد السلطنه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه فرزند دوم حاج علی خان، در سال ۱۲۵۹ق -در روزنامه خاطرات: ۱۲۵۶هـ.ق- متولد شد در سال ۱۲۸۵ برای ادامه‌ی تحصیل به فرنگ رفت و در سال ۱۲۸۴هـ.ق به ایران بازگشت و در سه سفر ناصرالدین شاه همراه وی بود و در سال ۱۳۵۴هـ.ق لقب اعتمادالسلطنه گرفته است. در پایان در سال ۱۳۱۳هـ.ق از دنیا رخت بریست. درباره اعتماد السلطنه و ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی، علم ایشان، سیاست ایشان حرف‌های فراوانی زده شده است و به دور از غرض ورزی باید بیان داشت «اعتماد السلطنه به زمان خود، مردی دانشمند بوده و خود چند کتاب نوشته و یا ترجمه کرده است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۹)

معرفی مرآت البلدان

مرآت البلدان - چنان‌که از نامش پیداست مرآت البلدان یک واژه ترکیبی عربی و به معنای آئینه شهرها می‌باشد. - کتابی است در شرح شهرها و قری و قصبات ایران زمین یعنی ایران بزرگ که شامل منطقه‌ای بود از رود سیحون تا ماوراء فرات و از دربند باب الابواب در شمال بحر - خزر تا جزایر و سواحل خلیج فارس. این کتاب که براساس کتب جغرافیائی مؤلفین قدیم و سفرنامه سیاحان و مکتشفین جدید نوشته شده بدبختانه ناتمام مانده است. شیوه ارجاع منابع اعتمادالسلطنه در این کتاب به دو گونه می‌باشد: منابع کهن ایرانی و منابع غربی.

مرآت البلدان به ترتیب الفبائی و بیشتر براساس مطالب یاقوت حموی در کتاب نفیس معجم البلدان تنظیم شده ولی مؤلف، اقوال دیگر جغرافی دانان اسلامی و ایرانی چون ابن الفقیه ابو بکر احمد بن محمد بن اسحاق مؤلف مختصر البلدان و احمد بن ابی یعقوب و امثال آنان را نیز مورد مطالعه و استفاده قرار داده است. در بخش منابع غربی در بسیاری از موارد، به تفصیل تمام از کتب شاردن و تاورنیه و نظایر آنان نقل کرده و از این طریق بر غنای کتاب افزوده است. گرچه نام کتاب با علم جغرافیا ارتباط

دارد اما یکی از اهداف مولف در این کتاب شرح پادشاهی ناصرالدین شاه بوده توضیح آن که جلد اول تا پایان حرف «ت» و کلمه «تهران» کشیده شده و به مناسبت تهران، پایتخت (دار الخلافه) دولت قاجاری و توسعه اخیر آن در سال ۱۲۸۴ و عنوان جدید «دار الخلافه ناصری» اعتمادالسلطنه فرصت را مغتنم شمرده برای تجلیل از مخدوم خود ناصر الدین شاه، و شرح سلطنت سی ساله او را بر قلم آورده و نگاشته است.

از نکات برجسته و بدیع در علوم تاریخ و جغرافیا این کتاب در بازار و شیوه‌های گردآوری اطلاعات و داده‌های خام می‌باشد. چنان‌که از محتوای کتب و شرحشان برمی‌آید، اعتمادالسلطنه برای آن که زودتر و بهتر بتواند مطالب مربوط به جغرافیای هر شهر و ولایتی را جمع‌آوری نماید، چنین اندیشیده بود باروشی نوین وبا بکارگیری از ابزارهای روش تحقیق علمی مانند فن مصاحبه و پرسشنامه از حکام ولایات و ایالات ایران بخواهد تا کلیه اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را گردآوری نموده به دفتر دار التالیف ارسال دارند. برای تنفیذ بیشتر بخشنامه، مراتب را به شاه نیز عرضه داشته و از مخدوم خود درخواست کرده بود که در این زمینه وی را تأیید و تقویت نماید.

بدیهی بوده اعتمادالسلطنه در گردآوری اطلاعات دچار مشکل بوده به دلیل اینکه که حکام نه سواد این کار را داشتند نه فرصت و رغبت آن را. بنابراین، حکام در هر شهر یک یا چند نفر از دانشمندان و اهل اطلاع و علاقمندان به کتب تاریخی و جغرافیائی و جمعی از مطلعین محلی را انتخاب کردند و جمع و تحریر اطلاعات مورد نظر را به ایشان محول نمودند. با این همه تأکید و ارسال بخشنامه، ظاهراً باز هم مطالب مورد نظر به موقع نرسیده و اعتمادالسلطنه نتوانسته به ادامه مرآت البلدان مشغول شود. از مولفه‌های نوآوری علم جدید جغرافیا در مرآت البلدان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اشاره به جهت های اصلی و فرعی در علم جغرافیا-دایره استوا-دایره نصف النهار- اهمیت علم جغرافیا -جغرافیای ملل مختلف-اشاره به انواع آب و هوا و نژاد بشری- تلفیق علوم تاریخ و جغرافیای ایران -ذکر تاریخچه شهرهای ایران می باشد.

اعتمادالسلطنه هدف از تالیف این کتاب را چنین بیان نمود: "این بنده ذلیل محمد حسن بن حاجی علی- خان اعتمادالسلطنه- غفر الله له- خود را مصمم نمود که شرح حال ایران را از حیثیت تاریخ و جغرافی مرقوم دارد که وطن من و مملکتی است که در آن مسکن دارم و شاکرم که در عهد سلطنت جاوید آیت شاهنشاه ... به تألیف این کتاب اقدام می‌نمایم و به جهت نوشتن چنین کتابی که حاوی جغرافیا و تاریخ هر دو می‌باشد و به عبارة آخری جغرافی تاریخ است کتب زیاد لازم بود که به آنها رجوع و خلاصه آنچه راجع به این دو علم است موضوع و مطلب صحیحا مرقوم شود. (اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۱: ۵). برخی در بیان اهمیت این کتاب از آن به عنوان آیینیه شهرها نام برده و آن را یکی از سودمندترین کتاب‌هایی که در عصر ناصری به زبان فارسی نگاشته شده است و نخستین کوشش به شیوه نوین در تدوین یک جغرافیای تاریخی در ایران به شمار آورده‌اند (همان ۴جلد، مقدمه ج ۱: ۳۲).

اطلاعات موجود در این کتاب متعاقب بخشنامه‌ای فراهم آمد که دولت خطاب به حاکمان و فرمانروایان ایالات و ولایات ایران صادر کرد و براساس آن دانشمندان و محققان هر دیار موظف به گردآوری اطلاعاتی درباره محل اقامت خود شدند. آنان گذشته از تدوین مطالب مندرج در منابع کهن به تحقیقات میدانی در هر محل دست زدند. از مجموع این گزارش‌ها ۱۰ مجلد نسخه عظیم خطی فراهم آمد که هر بخش به خط گردآورنده بود. این دفاتر در مجلدات بزرگی جای گرفت که اکنون برجای مانده است. بنیاد تالیف مرآت البلدان بر اساس همین یادداشت‌ها و اسناد بود و اعتمادالسلطنه نیت آن داشت که یک دوره فرهنگ جغرافیایی برای ایران فراهم آورد.

این کتاب بر اساس کتب جغرافیایی مولفین قدیم و سفرنامه سیاحان و مکتشفین جدید نگارش یافته است. و در بر گیرنده نام برخی از شهرهای ایران است: نخست شهرهای موجود و یا ویران و از یاد رفته در مرزهای کنونی ایران و نیز شهرهایی که در نوشته‌های مربوط به تاریخ ایران و کشورهای همجوار آن از آنها نام برده شده است (آل داوود، سیدعلی، دائرة المعارف بزرگ

اسلامی، ج ۹، ص ۳۶۱). کتاب دارای فهرست اعلام و وپاورقی‌هایی به قلم مصححان کتاب دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث می‌باشد.

تعریف شهرنگاری:

برای شهرنگاری در قالب عنوان «شهرنگاری» تعریف ارائه نشده و یا حداقل از دست رس دید این نوشتار خارج بوده است ولی شهرنگاری را در همان عنوان‌های چون تاریخ محلی، تاریخ نگاری محلی، سفرنامه می‌توان این گونه شرح کرد که؛ «به مجموع نگارش تاریخ محلات و سفرنامه - که در واقع شق دیگری از تاریخ نگاری محلی می‌باشد- شهرنگاری گفته می‌شود» (رجایی، ۱۳۹۲ص ۱۲)

بنابراین، به طور کلی شهرنگاری و به ویژه شهرنگاری دوران قاجار دارای دو رکن اصلی تواریخ محلی و سفرنامه‌های قاجاری می‌باشد.

خاستگاه متون شهرنگاری

بدون تردید برای نگارش تاریخ شهرها در کنار انگیزه‌های چون کنجکاوی، تربیتی و آموزشی، لذت مطالعه، دانش اندوزی انگیزه‌های دیگری را می‌توان برشمرد که در شهرنگاری دوران کلاسیک تا حدودی متفاوت از شهرنگاری دوران مدرن بوده است. اگرچه اهمیت دو عنصر زمان و مکان - و یا به عبارتی، موقعیت زمانی و مکانی- را در شهرنگاری‌ها نمی‌توان نادیده گرفت ولی؛ در شهرنگاری‌های دوران کلاسیک برخی از مولفه‌ها دارای تفاوت معنایی، محتوایی و مضمونی می‌گردند.

برای مثال مولفه‌ی «حُبّ وطن» در شهرنگاری دوران کلاسیک غالباً صبغی دینی برجسته‌تری نسبت به شهرنگاری دوران مدرن دارد. «تلقی قدما از وطن به هیچ وجه همانند تلقی نیست که ما بعد از انقلاب کبیر فرانسه داریم، وطن برای مسلمانان یا دهی و شهری بوده که در آن متولد شدند یا همه‌ی عالم انسانی که نمونه‌ی بارز آن در آثار اقبال لاهوری دیده می‌شود که بهترین تصویر ناسیونالیسم اسلامی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱ص ۳۶)

و یا مولفه‌ی «اغراض سیاسی-حکومتی» در متن شهرنگاری دوران کلاسیک غالباً پررنگ‌تر از متن شهرنگاری دوران مدرن می‌باشد. «عادت رفته است در تواریخ بلدان، انساب و تواریخ ملوک آن ولایت را بیان کردن». (بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، بی تا: ۶۵)

بنابراین نسبی بودن مفاهیم و محتوای مولفه‌ها، تفاوت مضمونی و محتوایی مولفه‌های کلاسیک و مدرن، نقش عنصر زمان و مکان در تغییر محتوا و معنای آن‌ها از موارد غیرقابل انکار می‌باشد. از برجسته‌ترین مولفه‌های برآمده از خاستگاه شهرنگاری عبارت‌اند از:

۱. حُبّ وطن

یکی از انگیزه‌های اصلی در نگارش تاریخ شهرها و محلات عشق به وطن بوده است که در غالب آثار تاریخی و نگارش تاریخ شهرها -در اشکال و قوالب گوناگون- بدان اشاره رفته است.

«واژه‌ی وطن معادل فارسی میهن^۱ و میهن از واژه‌ی مثنی^۲ به معنای «جای گزیدن و ماندن» است» (پاشنگ، فرهنگ، واژه-های فارسی. بی تا: ۵۴۷). احساس علاقه، عشق و دوستی متعادل نسبت به وطن یک ویژگی فطری برای انسان‌هاست «فطرت انسان با مهر وطن سرشته است و یکی از علامت‌های رشد انسان اشتیاق نفس به زادگاه خویش است» (همایون تکمیل، ۱۳۵۹ص ۵۹) افراط و تفریط در این احساس در گستره‌ی تاریخ دلایل سیاسی - روانی خاص خود را داشت.

درابه‌ی حوزه‌ی معنایی و مفهومی واژه‌ی وطن باید گفت؛ وطن از دیدگاه‌ی اعتقادی، سیاسی، اجتماعی در ادوار مختلف و در بین افراد گوناگون تعابیر و مصادیق متفاوت داشته است. میزان شدت وابستگی فرد به وطن نیز بر مبنای ایدئولوژیکی و

¹ - mihan

² - maethena

رسوبات ذهنی فرد مشخص می‌شود «تلقی قدما از وطن، گاهی چیزی به معنی خام ناسیونالیسم بود ولی بسیار مبهم و بیشتر در برخورد با اقوام بیگانه ظاهر می‌شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۴). «صاحب نزهة القلوب چشمه سبز را بحیره می‌نامد و گوید این بحیره به ولایت خراسان به حدود طوس است. دورش یک فرسنگ بود. از آن دو جوی بزرگ به نیشابور می‌رود و هر یک زیاده از بیست آسیاگردان بود و هیچ ملاحی بحیره را نتواند برید و به قعرش نیارد رسید و حکایت اسب که از آنجا برآمد...» (اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۴: ۲۲۰۸)

برخی از نویسندگان به صورت مستقیم به این مولفه اشاره داشته‌اند که دلیل و مبنای نگارش آنان دوستی و علاقه و دلبستگی آنان به وطن بوده است. برای مثال ایرج افشار دلیل تحریر «یادگاری های یزد» خویش را این گونه بیان می‌دارد که: «تألیف این کتاب مبتنی بر چهار پایه، یکی ذوق و شوق در شناخت جایگاهی که مادر مهربان و پدر ارجمندم از آن جابند و طبعاً دلبستگی نهانی به آن ناحیت دارم» (افشار، ۱۳۴۸)

البته در کنار این مولفه در نگارش تاریخ شهرها و محلات نباید از زیبایی و لذت درونی موجود در علم تاریخ چشم‌پوشی نمود، علم تاریخ از آن جایی با سرگذشت گذشتگان سروکار دارد بدون تردید از جذاب‌ترین علوم برای علاقه‌مندان بدان علم به حساب می‌آید. «علم تواریخ علمی لذیذ است و مقبول، فایده هداشت و بشاشت ارزانی دارد» (بیهقی، بی تا ص ۸).

گاهی همین مبنای حُبّ وطن منجر به توصیف دقیق و ریزبینانه‌ای درباره‌ای یک منطقه در آثار تاریخی و شهرنگاری می‌گردد. «صاحب معجم البلدان گوید جناب رستاقی است از قهستان در خاک نیشابور. دار الحکومه آن قصبه‌ای است که آن را گونابد می‌نامند. حمد الله - مستوفی گوید جناب را در تلفظ گنابد گویند. شهری کوچک است که پسر گودرز ساخته. حصار محکم دارد چنان‌که از بالای آن تل ریگ باغات و دیه‌ها و ولایتها مجموع در نظر باشد، اما هرگز آن ریگ در باغات نیاید. آبش از کاریز است و آن کاریز چهار فرسنگ درازی دارد و چاه آن تخمیناً هفتصد گز می‌باشد. و چند موضع از توابع آن است که مجموع را آب از کاریز باشد و بیشتر کاریزها از طرف جنوب به شمال می‌رود. و دو قلعه بر دو طرف آن است. یکی را قلعه جواشیر خوانند و یکی را قلعه دزخان. حاصلش غله و میوه و ابریشم نیکو و فراوان باشد. نگارنده گوید گونابد را عوام گون‌آباد تلفظ می‌کنند. قلعه کوچکی است و دور آن خندقی. سکنه‌اش زیاده از یک‌صد نفر نیست. سه چهار باب دکان دارد، اما قری و مزارع و توابع آن بسیار است...» (اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۴: ۲۲۵۸)

۲. حس ناسیونالیستی

تلقی از مفاهیم و مضامین واژه وطن در متون بر اساس تغییرات سیاسی و اجتماعی عصر و بر اساس موضوع متن تغییر می‌کند. نکته‌ی بعدی در مورد وطن این‌که؛ شدت و ماهیت وطن‌پرستی در مکاتب و دوره‌های مختلف شهرنگاری، هم‌چون دوره‌های مختلف مکاتب ادبی متفاوت است مثلاً «وطن‌پرستی در دوره‌ی مشروطه توأم از وطن‌پرستی ملی-بهار- و مذهبی-سید اشرف‌الدین گیلانی- است که فرق دارد با وطن‌پرستی در دوره‌ی رضا شاه که یا انترناسیونالیسم اسلامی-اقبال لاهوری- یا وطن‌پرستی ضد عربی و شونیزم است، و این شونیزم سعی در برتری قوم ما بر سایر اقوام عرب و نفی عرب و اسلام را داشتند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۸).

از دیگر مبانی در تاریخ نگارش شهرها حس ناسیونالیستی بوده است که این احساس یا مستقیم در خود نویسنده وجود داشته و یا در شاهزادگان قاجاری وجود داشته که منجر به تشویق و ترغیب نویسندگان می‌شده است. برای مثال؛ مسعود میرزا ظلّ السلطان و فرهاد میرزا معتمدالدوله مشوق اصلی نویسنده فارسنامه ناصری بوده‌اند و یا حاکم یزد عبدالرضا خان از منشی خود، طرب نائینی خواست که با نگارش ذیلی بر جامع مفیدی، خود و خاندانش را به روشنایی تاریخ آورد و جامع جعفری متولد گردید.

نکته جالب توجه این‌که، حس ناسیونالیستی در هر یک از این مورخان محلی در نگارش تاریخ محلات و شهرها منجر به یک جانبه‌گرایی نشده و با بیانی بی‌غرضانه حقیقت و واقعیت موجود در متن شهر و محلات را به رشته تحریر می‌گذاشتند. برای مثال میرزا جعفر خورموجی راجع به شیراز و شیرازیان می‌نویسد: «اهالی و اسواقش عیاش و فحاش، معابر و شوارعش کثیف و چرکین و دکاکین و اسواقش با زینت و رنگین» هستند. (خورموجی، ۱۳۸۰ ص ۶۹) و یا شکرالله سندجی در نقد مردم سندج

آورده است که، «اهل این روزگار خصوصاً سکنه این دربار طالب نام نیک و مقید ایراد و طعن دور و نزدیک نیستند، توجه ظاهر و باطن همه بر جمع دولت و جلب فواید است، هر که را دولت حرام بیشتر پیشتر» (سندجی، ۱۳۶۶: ۳). در توصیف سرزمین گنداب با تکیه بر حس ناسیونالیستی و در مسیر احساسات نوستالوژی نویسنده آمده است که؛ «چشمه گنداب: ملکی خوانین اسدآباد که خود ملک میان حد خاک اسدآباد و توپسراکان است و چند سال است در جزء توپسراکان مالیات می‌دهد. این ملک دیم‌کاری است و نهایت مرغوب. لیکن حالا رعیت ندارد. چشمه‌ای در بالای آبادی است که آب آن زیاده از یکصد جریب اراضی را مشروب نمی‌کند. آب خوردن اهالی از چاه است. این ملک از رودخانه هم دور افتاده و به جز چشمه مزبوره و چاه، سکنه آب دیگر ندارند...» (اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۴: ۲۲۲۰).

۳. اغراض سیاسی-حکومتی

شهرنگاری از یک رویکرد دیگر به دو بخش شهرنگاری طول مدار که در آن عنصر زمان مهم می‌باشد و مانند تاریخ نگاری طولی که بر اساس عنصر زمان است؛ تبیین و تحلیل می‌گردد. و شهر نگاری عرض مدار که نگاه ریزبینانه دارد به اوضاع و احوال شهر از جنبه های گوناگون در زمان حال. تحلیل شهرنگاری بر اساس این زاویه دید نیز؛ در مرآت البلدان اعتمادالسلطنه آمده است که شرح آن از دایره‌ی این جستار خارج می‌باشد. اما برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

«...حاکم بابل که در آن وقت از قبل پادشاه مدی و نانی بروس نامی بود، برخلاف میل و سلیقه پارسونده، که مشیر و مشاور و وزیر دربار بود رفتار می‌نمود و به هوای دل خویش زندگانی می‌کرد. یعنی شیوه مردی و پهلوانی را به یکسو نهاده، طریق عشرت و تن‌آسانی پیش گرفته پیوسته به عیش و طرب مشغول بود و به لهو و لعب مشغوف. کمر از خدمت دولت گشوده و در بستر شادمانی غنوده. پارسونده شکایت حاکم بابل را نزد پادشاه برد و مستدعی عزل او شد... و بنابراین مقدمات، شکایت پارسونده از حاکم بابل بی‌ثمر و خالی از نتیجه شد» (همان، ج ۴: ۲۱۵۲).

درون مایه‌ی شهرنگاری در مرآت البلدان اعتمادالسلطنه

اگرچه تاریخ نگاری محلی و شهرنگاری در عصر قاجار شروع نشده است ولی تاریخ نگاری محلی و شهرنگاری موجود در این عصر دارای مولفه‌ها و ویژگی‌های هستند که به تاریخ این دوره ویژگی برجسته‌ای می‌بخشد. رشد دانش جغرافیا، دلایل سیاسی چون حفظ تمامیت ارضی و حفظ شهرت، دلایل اقتصادی در بحث مالیات شهروندان، رواج صنعت چاپ و... از برجسته‌ترین دلایل رشد شهرنگاری در دوران قاجاریه می‌باشد.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از شخصیت‌های بی‌نظیری است که نقش اساسی در نگارش شهرنگاری در دوران قاجاریه را داشته است و «تصاویر جامع و دلپذیری را برای خوانندگان خود خلق می‌کند» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۲) پس از دوران قاجاریه مراکز و سازمان‌هایی در کشور عهده دار نگارش تاریخ آداب و رسوم، فرهنگ، اسناد شهرها شده‌اند که این حرکت در شهرهای تاریخی پررونق جلوه نموده است.

۱. آموزشی

از درون مایه‌های برجسته در تاریخ محلات و شهرنگاری‌ها دارای محتوای آموزشی داشتن می‌باشد که این محتوای آموزشی داشتن در شهرنگاری دوران قاجاریه به خاطر استفاده‌ی از منابع «جدید دانش بنیاد مثل کتیبه‌ها، اسناد و فرامین و حتی سکه‌ها و آوردن این اسناد به صورت کامل در متون» از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. (رجایی، ۱۳۹۲: ۳۷)

برای مثال؛ «جنید: صاحب معجم البلدان گوید عجم این کلمه را گنبد می‌گویند و آن قصبه خاک نیشابور است. ابو منصور گوید گنبد قصبه‌ای است از رستاق بست در نیشابور شهری هم در فارس به این اسم موسوم است و به قول حمد الله گنبد، رستاق کوچکی است در خاک نیشابور، هوایش گرم، حاصلش گندم و میوه و ریاحین. در حوالی قلعه‌ای است بسیار متین» (مرآت البلدان، ج ۴: ۲۲۶۰)

«در تواریخ یونان در بنای ایوان روایت دیگر نیز هست و آن این است که بنای طاق را انوشیروان عادل نمود و در سقف ناقوسی آویخته بود و رشته‌ای متصل به آن ناقوس بوده که سر رشته خارج از عمارت و در جلوخان بوده عارضی که به دربار پادشاهی می‌آمده سر رشته را حرکت می‌داد و ناقوس صدا می‌کرد. انوشیروان مطلع می‌شد که مظلومی است. او را احضار می‌کرد و به عرض او می‌رسید. گویند روزی حماری از آنجا می‌گذشت دستش به رشته خورده ناقوس صدا کرد. انوشیروان به خیال این که عارضی است شخصی را به طلب او فرستاد. آن شخص در مراجعت عرض نمود که عارض نبود خری عبور می‌کرده دستش به رشته خورده ناقوس صدا کرده است. انوشیروان گفت نه، اگر خر هم باشد عارض است. خود از عمارت بیرون آمد دید حمار مفلوک لاغری است.

صاحب او را احضار کرده بعد از تنبیه و تأدیب که چرا این حیوان را لاغر و مفلوک کرده است خر را از او خریده به اصطبل خاصه سپرد و فرمانی به جمیع ولایات و اهالی مملکت صادر کرد و مخصوص به حکام سپرد که اعلان دولتی نمایند که هر کس چهارپائی داشته باشد و از او درست توجه نکند و علوفه به قدری که باید به او ندهد مقصر دیوان خواهد بود» (مرآت البلدان، ج ۱: ۲۵۳)

۲. جامعه شناختی

یکی از ویژگی‌های تاریخ نگاری‌های محلی - تا حدودی برعکس تاریخ نگاری‌های عمومی - نگاه دقیق و توصیفی از طبقات پایین دست جامعه می‌باشد و یا به عبارت دیگر در تاریخ نگاری محلی فرصت برای شناسایی و بررسی جامعه شناسانه مردمان عادی و طبقات متوسط جامعه بیشتر می‌باشد تا جایی که غالب و حداکثر محتوا و درون مایه ی تاریخ نگاری محلی به لحاظ مردم و مردم شناسی را همین طبقات تشکیل می‌دهند؛ البته این بدان معنا نیست که تاریخ نگار محلی صرفاً از این قشر باشد و یا از روی عمد نگاه جامع خود را بر این طبقات اجتماعی معطوف کند بلکه محتوای تاریخ نگاری محلی غالباً ناخودآگاه به این سمت و سو گرایش دارد. این یکسان‌نگری و عدالت در نگاه در حوزه‌ی شهرنگاری و در مجموعه متون شهرنگاری از ویژگی‌های برجسته و منحصر به فرد می‌باشد.

توصیف شهر فیروزآباد در مرآت البلدان تالیف اعتمادالسلطنه:

«مؤلف گوید فیروزآباد از بناهای اردشیر ساسانی است یا این پادشاه آن را تعمیر کرده و از جاهای خوب دنیا آثار خندقی عریض و عمیق در آن دیده می‌شود... فیروزآباد در این عصر قصبه‌ای است که آب و هوای گوارا و سالمی دارد و باغات مرکباتش بسیار است.» (مرآت البلدان، ج ۴: ۲۲۷۸)

اگرچه یکی از مبانی ایجاد متون شهرنگاری اغراض سیاسی و حکومتی می‌باشد و این اهداف و اغراض در این متون به وفور قابل مشاهده است ولی در شهرنگاری عصر قاجار به واسطه‌ی بازشدن نسبی فضای سیاسی، انتقاد از عمال و کارگزاران دولتی به نسبت دیده می‌شود از این رو تصویر جامعه شناسانه‌ای از اوضاع زمانه در آینه این آثار دیده می‌شود. برای مثال سدیدالسلطنه در نقد اعمال و افعال حکام بوشهر می‌نویسد: «در سلطنت ناصرالدین شاه حکام بوشهر متدرجاً از دولت تقریباً تجاوز از شصت هزار تومان دریافت و بیش از شش هزار تومان تعمیر نکردند» (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲ ص ۱۶).

۳. فرهنگی و مذهبی

از دیگر ویژگی‌های تاریخ نگاری در دوره ی قاجاریه دارا بودن محتوای فرهنگی و مذهبی می‌باشد، ناصرالدین شاه هم که ذاتاً دوستدار تاریخ و جغرافیا و ادب و شعر بود، به توسط امین‌الملک - یعنی میرزا علی خان پسر میرزا محمد خان سینکی - اوامری در تأیید اعتمادالسلطنه صادر کرده تا حکام ولایات هرچه زودتر اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را به تهران فرستند. با رشد سریع تکنولوژی در همه ابعاد زندگی انسان معاصر یکی از مقوله‌های بسیار متغییر هویت فرهنگی و مذهبی شهر می‌باشد و این تغییر و تحول در هویت فرهنگی یک شهر، بیش از سایر متون در نوشته‌های شهرنگاری و یا تاریخ محلی با دقت و موشکافی بیان گردیده است و از درون مایه‌های این نوع نوشته‌ها - چون سفرنامه، تاریخ محلی اعتمادالسلطنه و هویت شناسی شهر قابل تبیین می‌باشد.

ثبت و نگارش این تغییرات در شهرنگاری امروزی از جنبه های مختلف با شهرنگاری سنتی متفاوت می باشد و حتی نهاد ثبت این گونه تغییرات بر عهده ی مدیریت شهری و شهرداری می باشد که در شهرنگاری سنتی نهاد خاصی عهده دار این ثبت و ضبط ها نبوده است. نکته دیگر این که، «هرچه این تغییرات در هویت فرهنگی شهر سریع تر و شدید تر باشد وظیفه تاریخ نگار پیچیده تر می شود زیرا اگر به موقع مناسب به ثبت وقایع نپردازد، زمان از دست خواهد رفت و از طرف دیگر در جهان امروز دانش تاریخ محلی یک از لوازم مدیریت شهری می باشد» (رجایی، ۱۳۹۲: ۲۱).

در توصیف مسجد شاه اصفهان می نویسد: "می توان گفت بهترین ابنیه ایران مسجد شاه اصفهان است. تابستانها در مقصوره و زمستانها در شبستان نماز می گزارند. جمیع دیوارهای مسجد که رو به صحن است از کاشی معرق که بهترین صنایع اهالی ایران است مزین است. بانی مسجد شاه عباس بزرگ. معروف است که در زمان شاه عباس بزرگ سی نفر مجتهد در این مسجد تدریس می کرده اند" (مرآت البلدان، ج ۱: ۱۰۹). همچنین پیرامون محله جلفاییها در اصفهان نوشت: «جلفا که سابق یکی از محلات اصفهان بوده و الحال خود شهر مستقلی و در یک میدانی شهر اصفهان و در حوالی زاینده رود است منقسم به دو قسمت بوده» (مرآت البلدان، ج ۱: ۱۱۹).

نتیجه

مرآت البلدان - چنان که از نامش پیداست مرآت البلدان یک واژه ترکیبی عربی و به معنای آئینه شهرها می باشد. از نکات برجسته و بدیع در علوم تاریخ و جغرافیا این کتاب در ابزار و شیوه های گردآوری اطلاعات و داده های خام می باشد. از مولفه های نوآوری علم جدید جغرافیا در مرآت البلدان اندیشه شهرنگاری می باشد. به مجموع نگارش تاریخ محلات و سفرنامه - که در واقع شق دیگری از تاریخ نگاری محلی می باشد - شهرنگاری گفته می شود.

بنابراین، به طور کلی شهرنگاری و به ویژه شهرنگاری دوران قاجار دارای دو رکن اصلی تواریخ محلی و سفرنامه های قاجاری می باشد. از برجسته ترین مولفه های برآمده از خاستگاه شهرنگاری عبارت اند از: ۱. حُبّ وطن. ۲. حس ناسیونالیستی. ۳. اغراض سیاسی - حکومتی. همچنین درون مایه ی شهرنگاری در مرآت البلدان اعتمادالسلطنه سه مولفه: ۱. آموزشی. ۲. جامعه شناختی. ۳. فرهنگی و مذهبی می باشند.

منابع

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار)، ج ۱، به کوشش: ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳.
۲. ، خلسه مشهور به خوابنامه، به کوشش محمود کتیرایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توکا، ۱۳۵۷.
۳. ، روزنامه خاطرات - با مقدمه ایرج افشار -، چاپ هفتم، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۴. ، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، سه جلدی، تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۵. ، صدر التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: انتشارات وحید، ۱۳۴۹.
۶. ، مرآت البلدان، به کوشش محمدعلی سپانلو و پرتو نوری علاء، سه جلدی، تهران: نشر اسفار، بی تا.
۷. ، درالتيجان فی تاریخ بنی الاشکان، تهران: انتشارات اطلس، ۱۳۷۱.
۸. افشار، ایرج، یادگاری های یزد، تهران: نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
۹. ایران دوست، کیومرث (۱۳۹۱)، مقاله درآمدی بر ماهیت میان رشته ای جغرافیای شهری و برنامه ریزی شهری، فصلنامه مطالعات میان رشته ای علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳.
۱۰. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، تاریخ بیهقی، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران.
۱۱. پاشنگ، فرهنگ، واژه های فارسی. بی تا.

۱۲. تاریخ بیهق، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی، بی تا.
۱۳. خورموجی، میرزا جعفر، آثار جعفری، تصحیح دکتر احمد شعبانی، شیراز: بنیاد فارس شناسی، ۱۳۸۰.
۱۴. رجایی، شهرنگاری های عصرقاجار، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
۱۵. رجایی، عبدالمهدی، شهرنگاری های عصرقاجار، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲.
۱۶. سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، سفرنامه سدیدالسلطنه، تصحیح احمد اقتداری، تهران: بهنشر، ۱۳۶۲.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ادوار شعر فارسی، تهران، نشر سخن ۱۳۸۱.
۱۸. همایون تکمیل، ناصر، میهن دوستی در ایران، تهران: نشر استقلال، ۱۳۵۹.